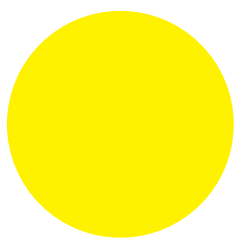




ایران



مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران

رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری

مدیرعامل: علی متقیان

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • فاکس: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۴۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰

پیامک: ۳۰۰۴۵۱۲۱۳ • روابط عمومی: • صندوق پستی: ۱۵۷۸۵

نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری

سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT

پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

• صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:

صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:

هادی خسروشاهین

امام حسین (ع) فرمود:

«محبت ما اهل بیت سبب ریزش گناهان است، چنان که باد، برگ درختان را می‌ریزد.»

سخن‌روز

حیة الامام الحسین، ج۱، ص ۱۵۶

درگذشت جمال اجلائی



جمال اجلائی بازیگر پیشکسوت سینما، تئاتر و تلویزیون روزگشته (۸ تیرماه) پس از یک دوره بیماری در سن ۷۸ سالگی در منزل درگذشت. او از بازیگران با سابقه تئاتر، سینما و تلویزیون بود. می‌گویند استعداد بازیگری او را حمید سمندریان کشف کرد و از بازیگران مورد علاقه وی هم بود. این بازیگردرفیلم‌هایی همچون «تابو»، «گینس»، «آرایش غلیظ»، «باد در علفزار می‌پیچد»، «آبی»، «مدرسه پیرمردها»، «تمام وسوسه‌های زمین» و «عاشق کوچک» بازی کرده است. همچنین از سریال‌هایی که او بازی کرده است می‌توان به «دورست‌ها»، «خط» و «نوطه فامیلی» اشاره کرد. **ایسنا**

پیشخوان فرهنگی

بازنمایی جنگ توسط هنر



سندهایی که بعد از جنگ می‌توان به آن رجوع کرد، کارهای هنری است: هنرهایی در زمینه‌های مختلف. لورا برندن، تاریخ‌نگار بریتانیایی-کانادایی استاد دانشگاه کارلتون و پژوهشیار موزه جنگ کانادا در شهر «اتوا» است که به دلیل پژوهش‌های دامنه‌دارش در این حوزه، برنده نشان افتخار کانادا شده است. کتاب «هنر و جنگ» او، عصاره پژوهش‌های دقیقش درباره تأثیر متقابل هنر و جنگ در طول تاریخ است. برندن در این کتاب، در گذاری تاریخی از نقاشی‌های دیواری باستانی تا آثار مفهومی مدرن و از نقاشی‌های پرروگاندای جنگ جهانی اول تا عکس‌های تکان‌دهنده ویتنام و سینمای جنگی معاصر، نشان می‌دهد هنر همواره در بازنمایی، مشروعیت‌بخشی، اعتراض و تحلیل درگیری‌های نظامی نقش داشته و بر حافظه جمعی و روایت‌های تاریخی ما از جنگ‌ها تأثیر گذاشته است. این کتاب توسط انتشارات «بابان» و آرد بازار کتاب شده است.

دو نمایش جدید در تئاتر شهر



بعد از وقفه‌ای ۱۲ روزه از جنگ تعمیلی رژیم اسرائیل علیه ایران، فعالیت‌های هنری با اجراهای تئاتر از سر گرفته شده است. طرفداران تئاتر می‌توانند برای دیدن دو نمایش در تئاتر شهر برنامه‌ریزی کنند؛ نمایش «آداب شکار رویاه» در تالار چهارسو به نویسندگی ابراهیم عادل‌نیا، کارگردانی محمد شاکری و تهیه‌کنندگی سجاد افشاریان روی صحنه می‌رود. این نمایش از یکشنبه هشتم تیرماه ۱۴۰۴ ساعت ۹ روی صحنه رفته است و اجرای اول آن برای همدلی با مردم کشورمان رایگان در نظر گرفته شده است. کارگاه نمایش تئاتر شهر هم میزبان نمایش «زخم‌هایم را بو بکش» به نویسندگی و کارگردانی کاظم سلمانی است که به تهیه‌کنندگی مدرسه تخصصی بازیگری و کارگردانی پادمارت هر شب ساعت ۱۹ اجرا می‌شود. بازیگران این نمایش (به ترتیب ورود به صحنه) عبارتند از: زانیار امانی، یلدا دهقانی، سعید واحدی، سحر سبزی، مصطفی خیرالهی، ملیکا مسن آبادی، امید فتحی، سیما صالحی، حامد عسکری‌زاده، آرزو خالقی و شیرین دلیرج. در خلاصه داستان این اثر نمایشی آمده است: سگ‌هایی که پس از ترک خانه خود تصمیم به بازگشت می‌گیرند...

اکران آنلاین ۱۳ فیلم و فیلم‌تئاتر



اگر در پلتفرم‌ها به دنبال دیدن فیلم‌هایی در اکران آنلاین هستید، بدانید که نمایش ۲ فیلم سینمایی و همچنین ۱۱ فیلم‌تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از روز شنبه ۷ تیرماه آغاز شده است. «تو مثل طوطی» به کارگردانی آرن ناصری‌مهر و امیرحسین انصافی، «حکایت مرد کوهستان» به کارگردانی افسانه زمانی، «خرس آرانسا» به کارگردانی مهدی مقیمی‌اسفندیاری و محسن صفری، «خروسی که می‌خواست شب را ببیند» و «گلوجه‌های خدا» هر ۲ به کارگردانی آرش شریف‌زاده، «راز گنجور» به کارگردانی هانی حسینی و مرضیه نادری، «مقل صورنی یا مدادی که فقط مشق می‌نوشت» به کارگردانی مهدی فرشیدی‌سپهر، «گلوجه دارچینی» به کارگردانی مریم کاظمی، «کوزه عسل نیست؟» به کارگردانی عادل یزدوده، «نوازنده‌ای که ماه را می‌نواخت» به کارگردانی حسین چراغی و «هدیه اسرارآمیز» به کارگردانی میثم یوسفی، عنوان ۱۱ فیلم‌تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است که در فیلم‌نت رایگان اکران شدند. همچنین ۲ فیلم سینمایی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با عنوان‌های «ضربه قتی» به کارگردانی غلامرضا رضانی و «پایان رویاها» به کارگردانی محمدعلی طالبی در سکوی اینترنتی فیلم‌نت اکران شدند. اکران آنلاین دیگر فیلم‌ها، انیمیشن‌ها و فیلم‌تئاترهای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تا پایان تابستان در فیلم‌نت ادامه دارد.

انتخاب کارگردان مجموعه جدید جیمز باند



آمازون اعلام کرد که دنیس ویلنوو، کارگردان فرانسوی-کانادایی، قسمت بیست‌وششم از مجموعه جیمز باند را کارگردانی خواهد کرد و حالا جست‌وجو برای بازیگر جدید نقش مأمور ۰۰۷ آغاز شده است. دنیس ویلنوو در رقابت با چهار کارگردان مطرح اروپایی، از جمله ادوارد برگر، ادگار رایت، پل کینگ و جانائان نولان به عنوان کارگردان قسمت جدید «جیمز باند» انتخاب شده است. حالا که ویلنوو انتخاب شده، آمازون به سرعت در حال جست‌وجوی نویسنده‌ای برای نگارش فیلمنامه است. **ایسنا**

درباره ۱۲ روز روزنامه‌نگاری جنگ وفاق تیتراها در دفاع از ایران



یادداشت



رضا صامنی

دبیر گروه فرهنگی

ایستادگی در برابر دشمن هم بود. ژورنالیست‌هایی که تلاش کردند در روزگار ناخوش جنگ، روزگار خوش روزنامه‌خواندن را تکرار کنند تا روزنامه‌نگاری نه یک نوستالژی که به یک استراتژی تبدیل شود و بتواند همچنان تأثیرگذار باشد. تأثیرگذاری و حماسه حضور روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران در دل نبرد با دشمن نشان داد که برخلاف این سخن عباس معروفی که روزنامه‌ها را یاد برد، روزنامه‌ها هنوز نمرده‌اند و روزنامه‌زنده است و هنوز می‌توان نامش را به نکویی برد در آگاهی‌بخشی و انتشار روشایی. روزنامه‌نگاری در این دوازده روز برای آنها که بویژه در تحریریه حضور داشتند، سخت‌ترین شکل روزنامه‌نگاری میدانی بود که رنج وطن را بر دوش می‌کشیدند اما از کنج وطن دفاع می‌کردند. در فضایی که روزنامه‌نگاری نه فقط روایتگری که جهادگری بود، هر خبرنگار و روزنامه‌نگاری همچون سرباز وطن بود که پشت سنگر تحریریه و با سلاح قلم به نبرد در برابر دشمن ایستاده و می‌جنگید. روزهایی که آگهی روزنامه‌ها کم شد اما آگاهی‌بخشی آن بیشتر.

درباره انتشار مجله فیلم زیرموشکباران تهران

حکایت آن کشتی در طوفان



آزیر یا دمبایی یا پای برهنه، بچه‌های‌شان را بغل کرده بودند و هراسان و پریشان خودشان را به سربانهی می‌رساندند. اینجا زیرزمین دفتر مجله فیلم در خیابان حافظ است. اولین موشک به سمت تهران، در نقطه‌ای نزدیک دفتر ما منفجر شد، زمانی که من و دوستانم بعد از کار روزانه به خانه می‌رفتیم. از آن شب به بعد، تهران مرتب زیر موشک بود. چه می‌بایست کرد؟ تحریریه در آن شرایط جای امنی نبود. شانس ما این بود که یکی از دخترهای شرکت بیمه آسیا در طبقه اول مجله بود و زیرزمین ساختمان، پایگانی راکدشان بود. آن زمان مدیران این شرکت از دوستان من بودند، از آنها خواشش کردم در دوره موشک‌باران این زیرزمین را در اختیار مجله بگذارند. جایی که پر بود از قفسه و فایل‌های فلزی با یگانگی با انبوهی پوشه و پرونده. من با کمک همکارانم و نه شرکا و مدیران! قفسه‌ها و فایل‌ها را جابه‌جا کردیم، دیوارهای آنجا

مستندسازان، مقاومت ملت را برای آیندگان به تصویر می‌کشند



این‌بار شرایط کاملاً متفاوت بود. در جنگ‌های گذشته بسیاری از مستندسازان در مناطق مختلف مانند عراق، سوریه و لبنان به روایتگری می‌پرداختند، اما این‌بار روایت جنگ به شهرها و خیابان‌های خودمان کشیده شد. مستندسازان امروز مسئولیت سنگینی بر عهده دارند، چرا که آنها تاریخ مقاومت ملت ما را برای آیندگان به تصویر می‌کشند. این آثار شاید امروز به طور کامل درک نشوند، اما دو، سه سال آینده به نسل بعدی نشان خواهند داد که ما در چه جنگ نابرابری پیروز شدیم؛ جنگی که تمام دنیا پشت دشمن ما ایستاده بودند.

صحبتهای احسان شادمانی مستندساز و فرزند شهید سردار شادمانی یا ایسنا

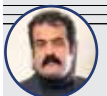
نگاره



از زخم‌هایمان جوانه می‌زنیم

طراح: کاتو گومز

یادداشت



ابراهیم عمران

روزنامه‌نگار

زنده بودن روزنامه‌ها



نوشتن در شرایط جنگی سخت است. از هر جهت که بنگریم، این کار روحیه خاص می‌طلبد. برای روزنامه‌نگاران فرهنگی این سختی، کمی افزون‌تر است؛ چه که سوزۀ اصلی برای آنها امور فرهنگی و هنری است. از سینما و تئاتر و تلویزیون و موسیقی، حالیه خبری نیست. پرداختن به این موارد هم نه اولویت جامعه و مخاطب است و نه خود نویسنده مایل به آفرینش چنین واژگانی است. این پیش‌غلیانی آمد تا چند خطی از زنده بودن روزنامه نوشته شود. صبح یکی از روزهای هفته در یکی از خیابان‌های شهر چشمم به فردی افتاد که روزنامه‌ای دستش بود. او نیز ناگهان را دنبال کرد. به هم رسیدیم. لبخندی زد و پرسید انگار مجنونی؟ گفتم خوشحالم که در این اوضاع روزنامه دستتان می‌بینم. گفت باید روزنامه خواند. من برای خرید این هشت صفحه سی کیلومتر از جایی که هستم، بیرون آمدم. من باید آگاهی داشته باشم تا در مواجهه با دیگران چیزی برای گفتن پیدا کنم. از فقر فرهنگی ما گفت و آن زمان که متوجه شد در روزنامه‌ای که دستش بود، می‌نوشتم و می‌نوایسم، بحث‌مان داغ‌تر شد. کمی حرف زدیم و دل کمی باز شد. از اینکه بوی روزنامه در این اوضاع به شامه‌ام می‌خورد، خرسند بودم. از سویی دیگر جریان زندگی برایم رنگ دیگری گرفت. از اینکه مخاطبین با همه بی‌مهری‌هایی که به رسانه‌های چاپی شد، باز هم نیم‌نگاهی بدان دارند، نیرو گرفتیم و دریافتیم با همه جانبداری‌هایی که رسانه‌های فارسی‌زبان آن ور آب، در این جنگ از طرف مقابل دارند، این مخاطب است که قبله‌گاه خبری‌اش را انتخاب می‌کند. باور به روزنامه‌های داخلی در این شرایط را باید قدر دانست؛ روزنامه‌نگارانی که با همه مرارت‌های موجود، به خلق و تحلیل خبر می‌پردازند. مخاطب نیز در آزرهای پیش آمده تا جایی که بتواند از روزنامه‌نویسش حمایت می‌کند. دیدن مخاطب روزنامه به دست، آنچنان شوقی پدید آورد که بار دیگر باور کنیم روزنامه‌ها زنده هستند، حتی با کم شدن صفحه‌ها، با شمارگان محدودتر و با توزیع سخت‌تر. شرایط که بسامان‌ترتر شد، باید این روزهای تهیه و شرح خبر روزنامه‌ها را واکاوی مجدد کرد.

در اوج پریشانی ذهن و روح مخاطب، کلمه‌ها بودند که امید و باور را زنده نگاه داشتند با روزنامه‌نگارانی که بیشرشان جنگ را فقط خوانده و دیده بودند یا در بهترین حالت خاطرات مجوی از آن دارند. این بار نسل زاده شده در جنگ قبلی، روایتگر تهاجم بی‌بی‌هاست با حمایت نرون‌های جدید دنیا. جنگی که همه ابعادش با یورش چهار دهه پیش تفاوت دارد و به حتم تحلیل و روایتگری‌اش نیز متمایز است. مخلص کلام آنکه روزنامه‌های ایران با همه تفاوت‌های سیاسی، این روزها تیرهایشان به یادگار می‌ماند. چه که آن مخاطب روزنامه به دست گفت باید آگاه باشد و این آگاهی از خامه قلم روزنامه‌نویس برمی‌آید؛ مخاطب و روزنامه‌نگارانی که مجنون نوشتن و خواندن هستند، تحت هر شرایطی. این جنون، دیوانگی نام ندارد. جنون قلم، جنون نوشتن است و جنون مانایی پس آن زاده می‌شود...